

تبیین زمان وقوع قیام توأبیین و رفع اختلاف منابع تاریخی

دکتر محمد مهدی مرادی خلیج استادیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز

چکیده

در مورد سال و ماه و حکومت همزمان با وقوع قیام توأبیین، در منابع نخستین تاریخ اسلام، اقوال مختلف بلکه متضادی ذکر شده که مجموعاً شامل هفت قول است. و گاه در یک منبع، در ذکر زمان حوادث مربوط به توأبیین، تاریخ‌هایی بیان شده‌است که با یکدیگر ناسازگارند. نویسنده مقاله توانسته است با مقایسه زمان‌های بدست داده شده در منابع متقدم و استفاده از شواهد تاریخی و نیز بهره‌گیری از نقشه مسیر حرکت توأبیین و همچنین با محاسبه مسافت طی شده توسط توأبیین براساس منازل که از کتاب‌های جغرافیای تاریخی به دست آمده‌است و مقایسه آن با مصاف‌های جنگی هم‌مسیر آنها نظیر جنگ صفین، در فاصله نزدیک به سی سال قبل از حادثه توأبیین، به این نتیجه برسد که حادثه نبرد توأبیین با سپاه شام، به سرکردگی عبیدالله بن زیاد، در جمادی‌الأولی سال ۶۵ هـ. ق. و در زمان حکومت مروان رخ داده‌است و دیگر تاریخ‌های ذکر شده بی اعتبار هستند. این پژوهش با استناد به منابع تاریخی و روش کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

واژگان کلیدی: توأبیین، عین‌الورده، مروان، عبدالملک مروان، سلیمان بن صرد.

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۶

E-mail: Mkhalaj@shirazu.ac.ir

مقدمه

دربارهٔ زمان وقوع قیام توابین که به خونخواهی امام حسین (ع) صورت گرفت و منجر به جنگ میان آنها و سپاه اعزامی شام به سرکردگی عبیدالله بن زیاد در محل عین‌الوردی شد؛ منابع متقدم تاریخ اسلام، اطلاعات متفاوتی در مورد خلیفهٔ عصر حادثه و زمان وقوع جنگ عین‌الوردی بدست داده‌اند. نگارنده درصدد است که با واکاوی داده‌های تاریخی از طریق مقایسهٔ زمان‌های ذکر شدهٔ این حوادث در منابع اولیهٔ تاریخ اسلام و سنجش میزان سازگاری آنها و با بهره‌گیری از شواهد تاریخی، به گزینش یکی از اقوال بپردازد و با دلیل اثبات کند که چرا گزینش مزبور را صحیح می‌داند.

در منابع یاد شده، دربارهٔ زمان رخداد حادثهٔ توابین، اقوالی همچون: عصر مروان، عصر عبدالملک بن مروان، سال ۶۵ ربيع‌الآخر سال ۶۵ هشت روز مانده از جمادى‌الأولى سال ۶۵ و ۴ روز مانده از جمادى‌الأولى ۶۵ و سال ۶۶ آمده‌است.

گزارش‌های منابع متقدم تاریخ اسلام

از مؤلفان منابع متقدم تاریخی، زبیر بن بکر (متوفی ۲۵۶ هـ ق.) در الموفقیات؛ ابن‌قتیبه دینوری (متوفی حدود ۲۷۶ هـ ق.) در الأمامه و السیاسة؛ ابوحنیفه دینوری (متوفی حدود ۲-۲۸۱ یا ۲۹۰ هـ ق.) در اخبار الطوال و مقدسی (متوفی بعد از ۳۵۵ هـ ق.) در البدء و التاریخ دربارهٔ توابین هیچ گزارشی به‌دست نمی‌دهند. آن دسته از مورخان متقدم که در آثار خود گزارشی از واقعهٔ مزبور آورده‌اند، به شرح زیرند:

یعقوبی (متوفی پس از ۲۹۲ هـ ق.) در جلد دوم تاریخ خود، به اختصار و در چند سطر حادثهٔ توابین را ذیل حکومت مروان بن حکم بازتاب داده‌است. او می‌نویسد: «سلیمان بن سردخزاعی و مسیب بن نجبه فزاری قیام کردند پس مروان، عبیدالله بن زیاد را بر سر ایشان فرستاد و گفت: «اگر بر عراق دست یافتی، امیر آن باش». عبیدالله با سلیمان بن سرد روبرو شد و با او جنگید تا او را کشت و گفته شده که سلیمان در دوران مروان کشته نشد؛ بلکه در زمان عبدالملک کشته شد» (یعقوبی، ۱۴۱۳: ۱۷۳/۲).

مسعودی (۲۸۰-۳۴۵ هـ ق.) در دو اثر بجا ماندهٔ خود، به حادثهٔ توابین پرداخته‌است. او در جلد سوم کتاب مروج‌الذهب و معادن‌الجواهر، پس از ذکر ایام عبدالملک بن مروان تحت عنوان: «ذکر جمل من افعاله و سیره و لمع مما کان فی ایامه و نوادر من اخباره» (مسعودی، ۱۴۰۴، مروج‌الذهب: ۹۲/۳)؛ برخی از افعال و سیره عبدالملک مروان و نکته‌هایی از ایام و نوادری از اخبار دوران او به حادثهٔ توابین

تحت عنوان: حرکت للشیعه (همان: ۹۳) در حدود چهار صفحه، پرداخته‌است. او بدون اینکه وارد جزئیات تاریخ حوادث شود، نبرد توأیین در عین‌الورده را به سال ۶۵ هـ ق. گزارش کرده‌است و در پایان آن آورده است: «و گفته شده که واقعه عین‌الورده در سال ۶۶ بوده است» (همان: ۹۳). همچنین او در کتاب التنبیه و الاشراف که آخرین اثر تاریخی‌اش می‌باشد و مدت‌ها بعد از کتاب سابق‌الذکر نگاشته شده‌است (مسعودی، ۱۳۶۵: ۷-۸)؛ حادثه توأیین را ذیل حکومت مروان در سال ۶۵ هـ ق. و در هفت سطر آورده است (مسعودی، ۱۹۶۵: ۳۱۱). بدین ترتیب یعقوبی بدون آنکه تاریخ دقیقی به دست داده باشد حادثه توأیین را در زمان حکومت مروان ذکر می‌کند و البته در انتساب به قولی مجهول‌السند آن حادثه را به عصر عبدالملک بن مروان نیز نسبت داده است. مسعودی نیز در التنبیه حادثه توأیین را در ذیل حکومت مروان و در سال ۶۵ هـ ق. آورده است. اما در مروج الذهب، دیگر اثر خود در حالی که وقوع حادثه را در سال ۶۵ ذکر نموده؛ اما ذیل حکومت عبدالملک بن مروان آن را شرح می‌دهد و البته در پایان بحث از توأیین در اثر اخیر، قول مجهول‌الانتساب رخداد حادثه را در سال ۶۶ ذکر می‌کند.

محمد بن جریر طبری در گذشته به سال ۳۱۰ هـ ق. در جلد چهارم تاریخ الأمم و الملوک مفصل‌ترین گزارش را مربوط به واقعه توأیین ارائه کرده‌است. او در ذیل سال ۶۵ هـ ق. با این عبارت شرح حادثه را آغاز کرده: «قال ابو جعفر: و فی هذه السنه تحركت الشیعه بالكوفه واتعدوا الاجتماع بالنخيله فی سنه ۶۵ للمسير الی اهل الشام للطلب بدم الحسين بن علی و تکاتبوا فی ذلک» ابو جعفر گوید: «و در این سال شیعیان در کوفه به جنبش در آمدند و وعده گذاشتند که در نخيله به سال ۶۵ هـ ق. برای حرکت به سوی شام برای خونخواهی حسین بن علی گرد هم آیند و در این باب نامه‌نگاری کردند (طبری، بی تا: ۴/۴۲۶).

طبری پس از آن در ده صفحه، از تجمعات توأیین و سخنان سران آنها و نیز مواضع اولیه عبدالله بن یزید، حاکم اعزامی از سوی عبدالله بن زبیر به کوفه، نسبت به توأیین سخن به میان آورده‌است. او از نامه سلیمان بن صرد به سعد بن حذیفه در مداین یاد می‌کند که از وی طلب یاری نموده و موعد تجمع خونخواهان امام حسین (ع) را در نخيله به تاریخ آغاز ربیع الآخر سال ۶۵ هـ ق. قرار می‌دهد (همان: ۴۲۹). طبری پس از آنکه در چهارده صفحه بعد، از جدایی خوارج از ابن زبیر و نیز آمدن مختار به کوفه اطلاعاتی می‌دهد، بار دیگر به موضوع توأیین برمی‌گردد و ذیل عنوان «ذکر الخبر عما کان فیها من الاحداث الجلیله» (همان: ۴۵۱)، بیست و چهار صفحه را به حوادث توأیین اختصاص داده و شروع حرکت آنها از کوفه به قصد شام را جمعه پنجم ربیع الآخر سال ۶۵ هـ ق. ثبت کرده (همان: ۴۵۶). او پس از بیان اولین مواجهه توأیین به رهبری مسیب بن نجبه با نزدیک‌ترین اردوی عبیدالله بن زیاد و

هزیمت آنان، از آرایش جنگی عبیدالله بن زیاد به فرماندهی حصین بن نمیر و سخنان حصین بن نمیر قبل از مواجهه با توابین سخن به میان آورده است.

طبری از قول حمید بن مسلم یاد آور شده: «تا به روز چهارشنبه هشت روز مانده از جمادی‌الاولی، به سوی آنها رفتیم ... آنها خواستند که بر عبدالملک بن مروان اتفاق کنیم و به اطاعت او در آییم ما نیز از آنها خواستیم که عبیدالله بن زیاد را به ما بدهند که او را به عوض تعدادی از برادران مقتولمان بکشیم و عبدالملک بن مروان را خلع کنند و ما نیز کسانی از خاندان ابن زبیر را که در دیار ما بودند بیرون نماییم. آنگاه این کار را به خاندان پیامبرمان که خدا از جانب آنها نعمت و حرمتان داده باز ببریم؛ اما نه آنها پذیرفتند و نه ما پذیرفتیم» (همان: ۴۶۴). وی پس از شرح درگیری توابین و سپاه عبیدالله بن زیاد و غلبه شامیان بر توابین، از قول هشام از ابو مخنف و او از قول عبدالرحمن بن یزید بن جابر بیان کرده که: «ادهم بن محرز باهلی، خبر فتح را برای عبدالملک بن مروان آورد و عبدالملک برفراز منبر رفت و پس از حمد و ثنای خدا گفت: «خداوند سلیمان بن سرد از سران فتنه آفرین عراق و رأس گمراهان را به هلاکت رساند» و شمشیرها سر مسیب بن نجبه را شکافت و از رؤسای آنها دو گمراه و گمراه کننده بزرگ عبدالله بن سعد ازدی و عبدالله بن وال بکری را بکشت و بعد از آنها کسی که بتواند دفاع یا مقاومت کند باز نماند (همان: ۴۷۰). او در پایان مطلب توابین، از کشته شدن سلیمان بن سرد و توابین همراه وی در عین‌الورده، در ماه ربیع الآخر یاد می‌کند (همان: ۴۷۴-۴۷۳).

متأخرترین اثر متقدم در این باره، الکامل عزالدین علی بن اثیر (متوفی ۶۳۰ هـ ق.) است. ابن اثیر تحت عنوان حوادث سال ۶۵ هـ ق. به بیان لشکرکشی توابین و کشته شدن آنها پرداخته است. اطلاعات تاریخی داده شده ابن اثیر، همچون دیگر حوادث قبل از سال ۳۰۰ هـ ق. به جهت بهره‌وری از اثر طبری، مشابه داده‌های طبری است. اما ابن اثیر از درگیری یاران سلیمان بن سرد و سپاه اعزامی عبیدالله بن زیاد پس از شکست اولیه آنها از مسیب بن نجبه، در چهار روز مانده از جمادی‌الاولی یاد می‌کند و همان مذاکرات مذکور در طبری را در شرایط سپاه توابین مبنی بر خلع عبدالملک و تحویل عبیدالله بن زیاد و در عوض اخراج زبیریان توسط شیعیان در منطقه خود و سپس واگذاری قدرت به خاندان پیامبر یاد کرده است و از اظهار خوشحالی عبدالملک بن مروان پس از اطلاع بر قتل سلیمان بن سرد و یاران او سخن به میان آورده است. (ابن اثیر، ۱۴۰۷: ۷/۴) در پایان ذکر حادثه هم آورده است: «گویند کشته شدن سلیمان بن سرد و یاران او در ربیع‌الآخر واقع شده است» (همان: ۱۰). بر این اساس طبری و ابن اثیر در حالی که زمان درگیری توابین و سپاه شام را در روزهای پایانی جمادی‌الاول سال ۶۵ هـ ق. ذکر کرده اند اما از عبدالملک بن مروان به عنوان خلیفه وقت یاد می‌کنند، در

حالی که برابر داده‌های تاریخی، عبدالملک بن مروان در این زمان مسند خلافت نداشته است. علاوه بر این قولی مجهول الانتساب را ذکر می‌کنند که حادثه درگیری توأیین و سپاه شام را نه در جمادی الاول ۶۵ هـ ق. بلکه در ربیع الاخر آن سال یعنی در همان ماهی یاد می‌کنند که توأیین از کوفه حرکت کرده‌اند.

روش واکاوی داده‌های تاریخی

برای ارزیابی صحت و سقم زمان‌های مذکور در مورد حادثه توأیین در منابع متقدم تاریخ اسلام به دو شیوه می‌توان عمل نمود. یکی سنجش میزان سازگاری تاریخ‌های ارائه شده بر اساس داده‌های تاریخی در همان منبع تاریخی و مقایسه آن با دیگر کتب تاریخی متقدم است و دیگر بهره‌گیری از قراین و شواهد تاریخی در جستن محتمل‌ترین زمان حادثه است. برای اعمال شیوه مذکور، با توجه به اینکه زمان داده شده حوادث پس از مرگ یزید بن معاویه تا روی کار آمدن مروان در منابع تاریخی از دقت و وثاقت لازم برخوردار نیست، ناگزیر با مبنا قرار دادن «کنگره جابیه»، که زمان انتقال قدرت از شعبه سفیانیان اموی به دسته مروانیان است، داده‌های تاریخی رصد می‌شوند تا بتوان بر اساس آنها زمان حادثه توأیین را معلوم کرد. این نکته نیز شایان ذکر است که متأسفانه امروزه آثار راویان نزدیک به حادثه توأیین در اختیار نیست تا بتوان به جزئیات این واقعه دست یافت. بنابه نوشته محمدبن اسحق وراق معروف به ابن ندیم متوفی ۳۵۸ هـ ق. (زرین کوب، ۱۳۶۳: ۶۶)، ابومخنف لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف بن سلیم از دی متوفی حدود ۱۵۷ هـ ق. کتابی در باب حادثه توأیین تحت عنوان «کتاب سلیمان بن سرد و عین الورد» داشته است (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۱۵۷) علاوه بر آن ۳۱ کتاب دیگر نیز از وی یاد شده است که مربوط به فتوح، مقاتل و نیز شخصیت‌ها و حوادث صدر اسلام بوده‌اند (همان: ۸-۱۵۷؛ نجاشی، بی تا: ۳۲۰). اگر کتاب‌های مزبور امروزه در اختیار بودند، کمک زیادی به شناخت حوادث تاریخی صدر اسلام از جمله؛ حادثه توأیین می‌نمود. بعلاوه ابوعبدالله محمد بن زکریا بن دینار غلابی مشهور به غلابی، که یکی از راویان سیره و احداث و مغازی بوده‌است در کنار کتاب‌هایی چون وقعه صفین، کتاب الجمل و کتاب الحره، کتابی نیز تحت عنوان «کتاب التوأیین و عین الورد» داشته است که امروزه در اختیار نیست (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۱۷۹-۱۷۸). اگر چه در کتاب‌هایی چون تاریخ طبری و مروج الذهب مسعودی، به نوشته‌های ابومخنف استناد شده‌است اما میزان دقت ضبط روایات این منابع معلوم نیست؛ به عنوان مثال مسعودی در مروج الذهب نام کتاب ابومخنف را که ابن ندیم تحت

عنوان «کتاب سلیمان بن سرد و عین‌الورده» ثبت کرده است، با نام «اخبار التوابین بعین‌الورده» نگاشته است (مسعودی، ۱۴۰۴: ۱۴۰/۳).

شواهد زمانی مناسب برای تعیین زمان حادثه توابین

برای اعمال دو روش یاد شده جهت تعیین زمان حادثه توابین، ناگزیر باید به تاریخ بیعت، مدت حکومت و مرگ مروان و نیز زمان بیعت عبدالملک بن مروان پرداخت و با مقایسه زمان‌های داده شده، قول مختار را برگزید و معلوم داشت که زمان مرگ مروان و بیعت با عبدالملک بن مروان پس از او در چه زمانی رخ داده است، تا معلوم شود که حادثه توابین در عصر عبدالملک بوده است یا دوره حکومت مروان.

زمان بیعت مروان

کنگره جاییه که براساس آن مروان به حکومت امویان برگزیده شد، در چهارشنبه سوم ذی‌القعدة سال ۶۴ (طبری، بی تا: ۴۱۲/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۴۸۰/۳، ۴۷۸؛ ابن‌سعد، ۱۳۲۲: ۱۶۷/۵) یا پنجشنبه چهارم ذی‌القعدة همان سال (طبری ۴/۴۱۵) صورت گرفته است. طبری به نقل از موسی بن یعقوب روز بیعت با مروان را در روز برگزاری کنگره جاییه در سوم ذی‌القعدة سال ۶۴ هـ ق. دانسته است؛ قولی که ابن‌اثیر با آن موافقت دارد (همان: ۴۱۲؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۴۸۰/۳، ۴۷۸). اما طبری در دو قول دیگر که یکی به نقل از حسان بن مالک است، روز پنجشنبه چهارم ذی‌القعدة را به‌عنوان روز بیعت با مروان یاد کرده است (طبری: ۴/۴۱۵) و به نقل از محمد بن عمر واقدی محرم سال ۶۵ هـ ق. را زمان بیعت با مروان بن حکم دانسته است (همان: ۴۱۲). مؤلف البدء و التاریخ بدون اینکه به روز و ماه بیعت مروان اشاره نماید، زمان بیعت مروان را سال ۶۴ هـ ق. نوشته است (مقدسی، ۱۳۸۶: ۹۱۰/۲)، اما صاحب‌التنبیه و الاشراف قول نادر رجب سال ۶۴ هـ ق. را به‌عنوان تاریخ بیعت با مروان یاد کرده است (مسعودی، ۱۹۶۵: التنبیه: ۳۰۷) قولی که با دیگر داده‌های این اثر ناسازگار است؛ زیرا او مرگ مروان را پس از نه ماه و چند روز حکومت، در روز سوم ماه رمضان سال ۶۵ هـ ق. دانسته است (همان: ۳۱۱) و زمان بیعت با عبدالملک بن مروان را ماه رجب سال ۶۵ هـ ق. نگاشته است (همان: ۳۱۲) بر این اساس ماه رجب سال ۶۴ هـ ق. را از آن جهت که قبل از کنگره جاییه است، نمی‌توان به منزله زمان بیعت با مروان به‌عنوان خلیفه پذیرفت؛ به‌علاوه میان ماه رجب سال ۶۴ هـ ق. که مسعودی در التنبیه آن را به‌عنوان زمان بیعت با مروان ذکر کرده است، تا رمضان سال ۶۵ هـ ق. که

همان اثر به‌عنوان زمان مرگ مروان آورده‌است، حداقل ۱۳ ماه و سه روز، فاصله است نه آنچه که صاحب التنبیه به‌عنوان نه ماه و چند روز دوره حکومتی مروان یاد کرده‌است؛ لذا قول ماه رجب سال ۶۴ هـ ق. به‌عنوان زمان بیعت با مروان درست نمی‌نماید (همان: ۳۱۱). دربارهٔ زمان بیعت با عبدالملک بن مروان نیز، دیگر منابع تاریخی از جمله اثر دیگر خود مسعودی به نام مروج الذهب، که قبل از التنبیه به رشته تحریر در آمده است، زمان بیعت با عبدالملک را ماه رمضان سال ۶۵ هـ ق. نوشته است (مسعودی، ۱۴۰۴، مروج الذهب: ۹۱/۳؛ طبری: ۴۷۴/۴؛ یعقوبی، ۱۴۱۳: ۱۸۷/۲؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۱۴/۴-۱۳؛ ابن سعد، ۱۳۲۲: ۱۶۸/۵). البته مسعودی در مروج‌الذهب از بیعت گرفتن مروان برای دو پسرش عبدالملک و عبدالعزیز سه ماه قبل از مرگش نیز سخن رانده‌است (مسعودی، ۱۴۰۴: ۸۹/۳) بنابراین اگر مراد از بیعت با عبدالملک را نه پس از مرگ مروان، بلکه بیعت‌گیری مروان برای پسرانش قبل از مرگ او محسوب داریم؛ باز هم طول نه ماه و چند روز منقول در التنبیه درست نمی‌نماید، براین اساس سخن مسعودی در کتاب التنبیه در مورد زمان بیعت مروان بن حکم و عبدالملک بن مروان از وجاهت علمی برخوردار نیست و بدین ترتیب با خروج تاریخ ماه رجب سال ۶۴ هـ ق. از مجموعه تاریخ‌های داده‌شده در مورد زمان بیعت با مروان، می‌بایست فاصلهٔ زمانی میان بیعت مروان در جابیه و مرگ وی و مدت ذکر شده در تواریخ را دربارهٔ طول مدت حکمرانی مروان مورد مقایسه و سنجش قرار داد، تا دورهٔ حکومتی مروان معلوم گردد. مسعودی که در کتاب التنبیه خود زمان وفات مروان را سوم رمضان سال ۶۵ هـ ق. نگاشته است، در مروج الذهب، کتاب دیگر خود، به سال ۶۵ هـ ق. قمری به‌عنوان سال وفات مروان بسنده کرده‌است و روز و ماه واقعه را متذکر نشده‌است؛ اما بیعت عبدالملک بن مروان را در شب یکشنبه اول ماه رمضان سال ۶۵ هـ ق. ذکر کرده‌است (مسعودی، ۱۴۰۴: ۹۱/۳) و با توجه به قول یعقوبی که بیعت عبدالملک را در شب همان روزی ذکر می‌کند که مروان از دنیا رفته‌است (یعقوبی، ۱۴۱۳: ۲۰۷/۲)؛ مرگ مروان را باید اول ماه رمضان سال ۶۵ هـ ق. دانست؛ قولی که طبری نیز با آن همداستان است (طبری: ۴۷۴/۴) و می‌توان قول دیگر طبری به نقل از ابو جعفر و مستند به گفتهٔ واقدی و نیز نوشتهٔ ابن‌اثیر را در ذکر ماه رمضان به‌عنوان ماهی که مروان در آن فوت کرده‌است بر تاریخ اول رمضان منطبق دانست (همان: ۴۷۵؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۱۳/۴). یک قول در روایت سال مرگ مروان نیز روایتی واحد است و آن قول اخبارالطوال دینوری است که سال مرگ مروان را سال ۶۶ هـ ق. قمری یاد کرده‌است (ابوحنیفه دینوری، بی تا: ۳۳) ولی این قولی است که با نظر داشتن زمان بیعت مروان و طول مدت نه ماهه‌ای که خود دینوری برای حکومت او یاد می‌کند، (همانجا) سازگاری ندارد.

همچنین باید توجه داشت که دینوری چندان توجهی به ذکر دقیق حوادث ندارد و به‌علاوه با امویان بر سر مهر نبوده‌است و این بی‌مهری در ذکر تفصیلی وقایع مخالفان امویان و عدم واکاوی حوادث مربوط به امویان بخوبی نمایان است. به‌عنوان مثال؛ او از حکومت معاویه بن یزید یاد نمی‌کند و در آغاز حکومت مروان سخنی ندارد و فقط به ذکر مدت حکومت او می‌پردازد. مطالعه آماری صفحاتی که دینوری به حوادث مربوط به مخالفان مؤثر و سرشناس امویان اختصاص می‌دهد، این حقیقت را آشکار می‌سازد؛ چنان که در ذکر حکومت ۱۲ ساله عثمان، فقط یک و نیم صفحه را به آن اختصاص داده و در همان حال در هفتاد و شش صفحه، به تفصیل به حکومت چهار سال و نه ماهه امام علی (ع) می‌پردازد یا به حکومت نزدیک به بیست ساله معاویه، فقط در نه صفحه پرداخته‌است و در همان حال به حادثه چند ماهه امام حسین (ع)، در سی و چهار صفحه و به حرکت عبدالله بن زبیر و مختار در نه ساله میانه سال‌های ۶۴ تا ۷۳ هـ. ق. سی و شش صفحه اختصاص داده است و در جمع از (۲۹۳) صفحه نگاشته شده مربوط به تاریخ اسلام که تا مرگ معتصم در سال ۲۲۷ هـ. ق. را شامل شد، ۱۴۶ صفحه به هجده ساله عصر امام علی (ع) و امام حسین و حرکت مختار و زبیر پرداخته و فقط ۱۴۷ صفحه را به صد و نود و هشت سال باقیمانده پس از رحلت پیامبر خاتم (ص)، اختصاص داده‌است.

براساس مطالب پیشین، بیعت با مروان را می‌بایست در فاصله زمانی سوم ذی القعدة سال ۶۴ هـ. ق. تا محرم سال ۶۵ هـ. ق. دانست و با توجه به روز مرگ او در اول رمضان ۶۵ هـ. ق. به ارزیابی زمان‌های داده شده در طول حکومت مروان پرداخت. درباره طول حکومت مروان شش قول در منابع تاریخی موجود است که عبارتند از: هفت ماه و چند روز (مقدسی، ۱۳۸۶: ۹۱۰/۲)، مسعودی در دو اثر خود اقوال هشت ماه (مسعودی، ۱۴۰۴: مروج الذهب: ۸۹/۳) هشت ماه و پنج روز (همان: ۲۳۴) نه ماه و چند روز (همان: ۸۹؛ مسعودی، التنبیه، ۱۳۶۵: ۳۱۱) را آورده است همچنین نه ماه (ابوحنیفه دینوری: ۲۸۵؛ یعقوبی، ۱۴۱۳: ۱۷۴/۲؛ طبری: ۴۷۵/۴) و ده ماه و سه روز کم (طبری: ۴۷۵/۴) نیز گفته شده است. از منابع تاریخی که در هر سه مورد: زمان بیعت مروان، مرگ مروان و زمان بیعت عبدالملک مروان؛ تاریخ روز و ماه و سال موارد یاد شده را ذکر نموده‌اند، فقط تاریخ طبری قابل ذکر است؛ زیرا مسعودی در کتاب التنبیه خود ماه رجب سال ۶۴ هـ. ق. را زمان بیعت مروان ذکر کرده‌است که ادعای او در سطور قبل نامقبول تشخیص داده‌شد. مقدسی بدون ذکر ماه و روز، زمان بیعت را سال ۶۴ هـ. ق. یاد کرده‌است. دیگر منابع نیز راجع به روز بیعت مروان سخنی ندارند. با توجه به اینکه مرگ مروان در اول ماه رمضان سال ۶۵ هـ. ق. دانسته‌شد؛ لذا تنها مورخی که سخنش براساس داده‌های زمانی در سه

مقطع یاد شده، بر طول حکومت مروان تطبیق می‌نماید، نوشته طبری و ذکر مدت ده ماه و سه روز کم می‌باشد که از روز چهارم ماه ذی القعدة سال ۶۴ هـ ق. آغاز و به اول ماه رمضان ۶۵ هـ ق. ختم می‌شود.

قول دیگر طبری که زمان بیعت مروان را ماه محرم سال ۶۵ هـ ق. ذکر کرده‌است، با طول مدت حکومت ذکر شده توسط خود او تطبیق نمی‌کند؛ زیرا چنانچه روز بیعت را حتی اول محرم محسوب داریم. تا رمضان آن سال طول زمانی هشت ماهه‌ای را شامل می‌شود که در هیچ‌یک از اقوال طبری نیست. مسعودی در یکی از اقوالش همین مدت زمانی هشت ماهه را برای حکومت مروان ذکر می‌نماید؛ اما مدت حکومت مذکور نه با آنچه در کتاب التنبیه او آمده، سازگار است و نه در کتاب مروج الذهب خود که قول هشت ماهه حکومت مروان را آورده، برای روز بیعت مروان تاریخی ذکر کرده است.

با توجه به اینکه روز بیعت با عبدالملک همان روزی بوده‌است که مروان از دنیا رفته، بنابراین اول رمضان سال ۶۵ هـ ق. روزی است که عبدالملک بن مروان، بجای پدرش بر سریر قدرت نشسته است. براین اساس می‌توان اطلاعات راجع به زمان قیام توأیین را مورد مذاقه قرار داد و از آن میان به این نتیجه رسید که کدامیک از زمان‌های مذکور در اول مقاله، پذیرفتنی‌تر است. برای این منظور می‌بایست از استناد به منابعی که به‌طور عام، حادثه توأیین را در سال ۶۵ یا ۶۶ هـ ق. ذکر کرده‌اند و یا به وقوع آن در عصر مروان یا عبدالملک پرداخته‌اند، اجتناب نمود و سراغ منابعی را گرفت که اطلاعات حوادث توأیین را جزیی‌تر و دقیق‌تر ذکر کرده‌اند و براساس آن اطلاعات، زمان قیام توأیین را مورد واکاوی قرار داد.

سال وقوع حادثه توأیین

متقدم‌ترین منبع تاریخی موجود که به‌طور مشروح و با ذکر جزئیات به حادثه توأیین پرداخته است، کتاب تاریخ‌الأمم و الملوک طبری است. طبری تصریح می‌کند که چون هلال ماه ربیع‌الآخر به سال ۶۵ هـ ق. دیده شد، سلیمان بن سرد و یارانش در اردوگاه نخيله گرد هم آمدند (طبری: ۴۵۱/۴؛ نیز نک. ابن اثیر، ۱۴۰۷: ۳/۴؛ ابن سعد، ۱۳۲۲: ۳۰/۵) و شامگاه جمعه پنجم ربیع‌الآخر، از نخيله به قصد شام حرکت کردند (طبری: ۴۵۶/۴؛ ابن اثیر، ۱۴۰۷: ۴/۴) در مدت اقامت سلیمان بن سرد و همراهانش در نخيله، از رایزنی عبدالله بن یزید خطمی والی عبدالله بن زبیر و نیز ابراهیم بن محمد بن طلحه عامل

خراج او با سلیمان بن سرد و تلاش آن دو نفر در باز داشتن سلیمان از عزیمت به سوی شام سخن به میان آمده است (طبری: ۴۵۴/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۴/۴) و این همان مطلبی است که در شعر اعشی همدان بدان اشاره شده است (طبری: ۴۷۳/۴-۴۷۲؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۱۱/۴-۱۰).

همچنین هنگامی که سلیمان به منزل قیاره رسید، فرستاده عبدالله بن یزید با نامه‌ای از او نزد سلیمان آمد. در این نامه عبدالله بن یزید بار دیگر خواستار تأخیر تصمیم سلیمان و یارانش در عزیمت به شام گردیده بود تا به اتفاق یکدیگر علیه امویان اقدام نمایند؛ اما سلیمان از همراهی با عبدالله بن یزید سر باز زد (طبری: ۴۵۸/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۵/۴). داده‌های طبری و ابن‌اثیر حاکی از آن است که عبدالله بن یزید، حاکم عبدالله بن زبیر در کوفه تا پنج روز مانده از ماه رمضان سال ۶۵ هـ ق. که عبدالله بن مطیع به جای وی از سوی ابن‌زبیر حاکم کوفه گردیده است، در این شهر به سر می‌برده است (طبری: ۴۸۳/۴، ۴۸۹؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۲۸/۴). از دیگر سو می‌دانیم که مختار بن ابی‌عبیده ثقفی در زمان حکومت عبدالله بن یزید خطمی، از زندان کوفه آزاد شد (طبری: ۴۸۸/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۲۷/۴) و او هنوز در زندان بود که قیام توابین به انجام رسیده بود و رفاعه بن شداد بجلی به کوفه بازگشته بود و مختار از زندان به او نامه نوشت و او را به همراهی خود طلبید (طبری: ۴۷۱/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۲۷/۴، ۹). لذا با توجه به شروع حکومت عبدالملک بن مروان از اول ماه رمضان سال ۶۵ هـ ق. و پایان کار توابین قبل از به خلافت رسیدن عبدالملک بن مروان آشکار است که قیام توابین در عصر حکومت مروان بوده است نه عبدالملک بن مروان.

از مسلمات تاریخ است که قیام مختار، بعد از قیام توابین رخ داده است و آن طور که طبری گزارش کرده است؛ مختار در صدد بود که در ماه محرم سال ۶۶ هـ ق. قیام خویش را آغاز کند (طبری: ۴۹۱/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۲۹/۴)، اما به واسطه فراهم نیامدن شرایط، در روز پنجشنبه چهاردهم ماه ربیع‌الاول سال ۶۶ هـ ق. قیام خود را آغاز کرد (طبری: ۴۹۶/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۲۷/۴). بر اساس آنچه نوشته شد، اطلاعاتی را که طبری و ابن‌اثیر راجع به شرایط توابین در خلع عبدالملک و یا اظهار خوشحالی عبدالملک پس از اطلاع بر قتل سلیمان بن سرد نگاشته‌اند، چنانچه نسخه‌های چاپی تاریخ طبری برابر با اصل نسخه خطی باشد، می‌بایست خطایی در نگارش مطلب دانست و یا تصحیفی برشمرد که نسخه‌نویسان بعدی کتاب طبری، روا داشته‌اند و در نسخه اصلی نوشته طبری نام مروان بوده است، نه عبدالملک بن مروان. لازمه تشخیص چنین مطلبی، مقاله‌ای مستقل است که با واکاوی در نسخه‌های خطی طبری و ابن‌اثیر احتمال دست‌یابی به آن است. بنابر آنچه گفته شد، قیام توابین در سال ۶۵ هـ ق. بوده است.

ماه وقوع حادثه توأیین

اما اینکه حادثه توأیین در ربیع الآخر سال ۶۵ هـ ق. رخ داده است یا جمادی الأولى آن سال، قول نخست پذیرفتنی نمی‌نماید؛ چرا که با توجه به حرکت توأیین در پنجم ربیع‌الثانی از کوفه و محاسبه زمان لازم طی مسیر آنها تا عین‌الورده (رأس العین)، به نظر نمی‌رسد؛ آنها توانسته باشند در همان ماه به محل جنگ برسند و به پیکار پردازند. مسیری را که توأیین از کوفه تا عین‌الورده طی نموده‌اند، به شرح زیر است: نخيله، دیر اعور، اقساس مالک، کربلا، حصاه، انبار، صدود، قیاره، هیت، قرقیسیا، عین‌الورده، (طبری: ۴۶۲/۳-۴۵۶). این مسیر تا قرقیسیا همان مسیری است که امام علی (ع) در جنگ صفین طی کرده‌اند (ابن‌اعثم، ۱۳۸۶: ۵۰۴، ۵۰۹، ۵۱۱، ۵۱۴؛ ابن‌مزامح، ۱۳۶۶: ۱۸۳، ۱۹۵، ۱۹۹، ۳-۲۱۶، ۲۰۲). بنابر منابع موجود، حرکت امام علی (ع) از کوفه تا صفین، از پنجم ماه شوال تا دو روز مانده به ماه ذی‌حجه سال ۳۶ هـ ق. یعنی حداقل پنجاه و یک روز طول کشیده است. (ابن مزامح، ۱۳۶۶: ۱۸۳؛ مسعودی، ۱۴۰۴: ۳۷۷/۲، ۳۷۴؛ طبری: ۵۷۰/۳ - ۵۷۱؛ یعقوبی، ۱۴۱۳: ۸۷/۲؛ ابن اثیر، ۱۴۰۸: ۵۴/۴) آنطور که از نقشه‌های موجود بر می‌آید، طول مسیر پس از قرقیسیا تا عین‌الورده، بیشتر از مسیر قرقیسیا تا صفین است (ر.ک: اطلس شیعه، جعفریان، ۱۳۸۹: ۷۹؛ مقایسه شود با لسترنج، ۱۳۶۴، نقشه‌های ۳، ۲، ۱ پیوست)؛ چرا که شهر رقه، محل تلاقی راه قرقیسیا به رأس‌العین و قرقیسیا به صفین است و از رأس‌العین تا رقه چهار روز راه بوده است (جیهانی، ۱۳۶۸: ۹۲؛ استخری، ۱۳۶۸: ۷۶)، در حالی که از رقه تا صفین که میانه رقه و بالس قرار دارد (جیهانی، ۱۳۶۸: ۹۳؛ استخری، ۱۳۶۸: ۷۸، ۲۵؛ حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۵۶) حدود یک روز راه است زیرا فاصله رقه تا بالس دو روز راه بوده است (جیهانی: ۹۱) و با توجه به داده‌های منابع جغرافیایی که فاصله رقه تا انبار را بیست مرحله یا منزل ذکر نموده‌اند (جیهانی: ۲-۹۱؛ استخری: ۷۶)، حتی اگر فاصله انبار تا کوفه را به حساب نیاوریم بلکه حداقل فاصله میان بالس و کوفه را که بیست منزل گزارش شده است، (جیهانی: ۵۲) منظور داریم فاصله میان کوفه و رأس‌العین (عین‌الورده) ۲۴ منزل یا ۲۴ روز خواهد بود و با توجه به اینکه هر مرحله یا منزل حدود ۷ تا ۱۰ فرسنگ بوده است (یعقوبی، البلدان، ۲۵۳۶: ۸۷؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۵۰/۱) بدان معناست که فاصله مزبور بر اساس محاسبه هر فرسخ معادل شش کیلومتر حدود ۱۰۰۸ تا ۱۴۴۰ کیلومتر راه را در بر می‌گرفته است و حتی اگر مبنای محاسبه فرسخ را فرسخ شرعی یعنی ۵/۵ کیلومتر محاسبه نماییم میانه ۹۲۴ تا ۱۳۳۰ کیلومتر راه خواهد بود. بنابراین از نظر مدت زمان روز لازم برای پیمودن مسیر، امکان رسیدن توأیین به محل نبرد در ماه ربیع‌الآخر نبوده است. زیرا چنانچه ۲۴ روز را به پنجم ربیع‌الآخر که



نتیجه

بر اساس داده‌های منابع تاریخی و جغرافیایی و محاسباتی که به‌عمل آمد، اقوالی چون رخداد حادثهٔ توابین در سال ۶۶ هـ. ق. و یا در ربیع‌الآخر سال ۶۵ هـ. ق. درست نمی‌نماید و با توجه به آغاز حرکت توابین در پنجم ربیع‌الثانی سال ۶۵ هـ. ق. از کوفه و محاسبه طول مسیر بر اساس ذکر منازل و مسافت‌های طول مسیر در منابع کهن جغرافیایی، و با نظر داشتن فاصلهٔ زمانی میان حادثه توابین در سال ۶۵ هـ. ق. ذکر طول راهها در مآخذ قرون سوم و چهارم به بعد که قاعدتاً می‌بایست وضعیت راهها بهتر و احتمالاً کوتاه‌تر از عصر توابین شده باشند، رخداد حادثهٔ توابین در عصر مروان و در جمادی الاولی سال ۶۵ هـ. ق. پذیرفتنی به نظر می‌رسد، اما میان هشت روز و یا چهار روز مانده از جمادی الاولی به‌عنوان روز آغاز نبرد، بواسطهٔ در اختیار نداشتن قرینه‌ای، نمی‌توان گزینشی صورت داد.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد (۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م) الکامل فی التاریخ. المجلد الثالث، الطبعة الاولى. تحقیق ابی- الفداء عبدالله القاضی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- صححه الدكتور محمد یوسف الدقاق. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن اعثم کوفی، ابو محمد احمد بن علی (۱۳۸۶) الفتوح. چاپ چهارم. ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی. به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن بکار، ابو عبدالله زبیر (۱۳۸۶) الاخبار الموقفیات. چاپ اول. ترجمه اصغر قائدان. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- ابن سعد (کاتب واقدی)، محمد (۱۳۲۲ ق) الطبقات الکبیر. الجزء الرابع. به تصحیح و طبع الدكتور یولیوس لپرت. تهران: منشورات مؤسسه النصر.
- سترستین. تهران: منشورات مؤسسه النصر.
- دامغانی. تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- ابن مزاحم منقری، نصر (۱۳۶۶) پیکار صفین. چاپ اول. ترجمه پرویز اتابکی. به تصحیح و شرح عبدالسلام محمد هارون. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ابن ندیم، محمد (۱۳۶۶) کتاب الفهرست. چاپ سوم. ترجمه محمدرضا تجدد. تهران: امیر کبیر.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۶۸) مسالک و ممالک. چاپ سوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۹) اطلس شیعه. چاپ سوم. تهران: سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸) اشکال العالم. چاپ اول. ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب. مشهد: شرکت به نشر (آستان قدس رضوی).
- دینوری، ابن قتیبہ (۱۳۸۴) الامامه و السیاسه. چاپ دوم. ترجمه سید ناصر طباطبایی. تهران: ققنوس.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (بی تا) اخبار الطوال. تحقیق عبدالمنعم عامر. بغداد: مکتبه المثنی.
- زرین کوب عبدالحسین (۱۳۶۳) تاریخ ایران بعد از اسلام. چاپ چهارم. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (بی تا) تاریخ الامم و الملوک. الجزء الثالث و الرابع. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

- لسترنج (۱۳۶۴) جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی. چاپ دوم. ترجمه محمود عرفان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین بن علی (۱۹۶۵) کتاب التنبیه و الاشراف. بیروت: مکتبه خیاط.
- _____ (۱۳۶۵) التنبیه و الاشراف. چاپ دوم. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۴۰۴ق/۱۳۶۳ش) مروج الذهب و معادن الجواهر. الجزء الثانی و الثالث. الطبعة الثانية. قم: دارالهجره.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، (۱۳۶۱) احسن التقاسیم. بخش اول. چاپ اول. ترجمه علینقی منزوی. تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- مقدسی، مطهرین طاهر (۱۳۸۶) البدء والتاریخ (آفرینش و تاریخ). جلد دوم. چاپ سوم. ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: انتشارات آگاه.
- مؤلف نامعلوم (۱۳۶۲) حدود العالم من المشرق الی المغرب. به کوشش دکتر منوچهر ستوده. تهران: کتابخانه طهوری.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن عباس (بی تا) رجال. التحقیق السید موسی الشبیری الزنجانی. قم: موسسه النشر الاسلامی.
- یعقوبی، ابن واضح (۲۵۳۶) البلدان. چاپ سوم. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- _____ (۱۹۹۳/۱۴۱۳ م) تاریخ یعقوبی. المجلد الثانی. الطبعة الاولى. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.